



The Effect of Theories of Social Control and Self-control (General Theory of Crime) in Kermanshah and Evin Central Prison

Shahram Lorestani¹, Akbar Varvaei^{*2}, Masoud Ghasemi³

1. PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

2. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 17-24

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0001-9354-3722

TELL: +989185162788

Email: dr.akbarvarvaei@yahoo.com

Article history:

Received: 21 Jan 2022

Revised: 09 Mar 2022

Accepted: 20 Mar 2022

Published online: 21 Mar 2022

Keywords:

Social Control, General Theory of Crime, Central Prison, Evin Prison, Tehran, Sentenced to Imprisonment.

ABSTRACT

Travis Hirschi and Michelle Gottfredson, in justifying how crime was committed, first articulated the theory of social control and then the general theory of crime. According to these two theories, people who have committed a crime, or at least the rate of crime committed by them, is very small, which is defined by four constraints, which are: Involvement, Correlation, Commitment and Belief to be controlled. Then, with the development of this theory, they came to the conclusion that in addition to the above four constraints, it is necessary to motivate and institutionalize self-control in childhood and mainly from 7 to 12 years old by proper upbringing and various teachings in children. Preparing forms based on the above theories and conducting interviews with about 600 people sentenced to imprisonment in various crimes in Kermanshah and Evin Tehran Central Prisons as a scientific solution to determine the extent of the impact of these theories is the subject of this study.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Lorestani, Sh; Varvaei, A & Ghasemi, M (2022). "The Effect of Theories of Social Control and Self-control (General Theory of Crime) in Kermanshah and Evin Central Prison". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(1): 17-24.



دوره دوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۱

مطالعه تأثیر نظریات کنترل اجتماعی و خود کنترلی (نظریه عمومی جرم) در زندان‌های مرکزی کرمانشاه و اوین تهران

شهرام لارستانی^۱، اکبر وروایی^{۲*}، مسعود قاسمی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲. استاد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

چکیده

تراویس هریشی و میشل گاتفریدسون در توجیه چگونگی ارتکاب جرم ابتدا به بیان نظریه کنترل اجتماعی و سپس نظریه عمومی جرم پرداختند. براساس این دو نظریه، افرادی مرتکب جرم نشده یا دست‌کم میزان ارتکاب جرم از سوی آنها بسیار کم است که با قیود چهارگانه تعریف شده که عبارتند از: درگیر بودن، هم بستگی، تعهد و اعتقاد مورد کنترل قرار گیرند. پس از آن با توسعه این نظریه به این نتیجه رسیدند که لازم است علاوه بر قیدهای چهارگانه مذکور، اعمال خود کنترلی نیز در سنین کودکی و عمدتاً از ۷ تا ۱۲ سالگی توسط تربیت صحیح و آموزش‌های مختلف در کودکان برانگیخته و نهادینه شود. تهیه فرم‌هایی بر اساس نظریات فوق و انجام مصاحبه با حدود ۶۰۰ نفر از محکومین به حبس در جرایم مختلف بند زندان‌های مرکزی کرمانشاه و اوین تهران به عنوان راهکاری علمی جهت تشخیص حدود میزان تأثیر این نظریات موضوع این تحقیق می‌باشد. یافته‌ها نمایانگر این مطلب است که عامل خودکنترلی، به قدر کافی در مصاحبه شوندگان، رشد و توسعه نیافته است. رشد این عامل، می‌تواند در عدم ارتکاب جرم، بسیار مؤثر باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۷-۲۴

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۳۷۲۲-۹۳۵۴-۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۸۵۱۶۲۷۸۸

ایمیل: dr.akbarvarvaei@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

کنترل اجتماعی، نظریه عمومی جرم، زندان مرکزی، زندان اوین، محکومین به حبس.



مقدمه

پی بردن به علت و چرایی ارتکاب جرم را می‌توان مهم‌ترین چالش دانش جرم‌شناسی دانست. این سؤال اساسی که چرا انسان مرتکب جرم می‌شود از دوران‌های ابتدایی زندگی بشر همواره ذهن متفکرین را به خود مشغول نموده است. از مطالعه آثار اندیشمندانی چون سقراط و هراکلیت و... می‌توان به انتقال اندیشه ایشان به جرم و مجازات پی برد. (نجفی توانا، ۱۳۸۰: ۶۲)

مطالعات انجام شده در رابطه با پدیده بزه‌کاری بیشتر جنبه فلسفی و مذهبی داشته و عمل بزه‌کارانه را نتیجه یک نوع جبر سرنوشت می‌پنداشتند که گریز از آن اجتناب‌ناپذیر بود. تجلی این طرز فکر را می‌توان در تراژدی سوفوکل درباره با ادیپ و آنتیگونه به خوبی ملاحظه نمود. (ویلیامز، ۱۳۹۱: ۱۸-۱۹) در عرصه وسیع تاریخ دو نوع نظریه عمده درباره جرم وجود دارد. یک نوع بر تبیین‌های ماوراءالطبیعه و آن جهانی، و دیگری بر تبیین‌های طبیعی و این جهانی تکیه می‌کند. (برنارد، ۱۳۹۵: ۱۵)

تبیین‌های ماوراءالطبیعه از جرم، بخشی از یک دیدگاه کلی درباره زندگی است که بر طبق آن اعتقاد بر این است که شمار فراوانی از حوادث از تأثیر قدرت‌های آن جهانی ناشی می‌شود. برای نمونه حوادث طبیعی از قبیل سیل و بیماری‌های مهلک را اعمال مجازات آن قدرت‌ها، به خاطر اعمال ناشایستی می‌پنداشند و در واکنش به آن مناسک مذهبی و عبادی برپا می‌داشتند. (برنارد، ۱۳۹۵: ۱۵)

در مقابل تبیین‌های طبیعی برای توضیح همین رویدادها از موضوع‌ها و حوادث جهان مادی بهره می‌جوید. این رهیافت هم مانند رهیافت ماوراءالطبیعی از قدیم تا امروز ادامه دارد. (برنارد، ۱۳۹۵: ۱۸)

در مسیر تبیین‌ها در قرون اخیر، به جرم‌شناسی‌های کلاسیک، تحقیقی و قانون کیفری می‌رسیم که در برخی از آنها مانند سزار بکاریا عقلانیت را حاکم بر رفتار انسان دانسته و انسان مجرم را با حساب سود و زیان عمل خود مختار به انتخاب رفتار مجرمانه یا قانونمند میدانند. (برنارد، ۱۳۹۵: ۱۹) و گروهی دیگر مانند سزار لومبروز و همفکرانش معتقدند عوامل جبری و خارج از کنترل افراد که اغلب ریشه ژنتیکی و مادرزادی دارند، رفتار فرد را شکل می‌دهند. عده‌ای نیز مانند کلبر ولمرت بر این باورند که حجم جرم و خصیصه‌های مجرمان بیش از هر چیز به چگونگی تدوین و اجرای قوانین بستگی دارد. (صلاحی، ۱۳۹۷: ۴۷-۵۱)

عده‌ای دیگر از جرم‌شناسان که تحت تأثیر جامعه‌شناسی جنایی قرار دارند، ارتکاب یا عدم ارتکاب بزه را به صورت عمده، ناشی از رفتار متقابل فرد و جامعه می‌دانند. اینان خصوصیات فردی افراد را برای ارتکاب جرم کافی ندانسته بلکه عامل اصلی را کنش‌ها و واکنش‌های فرد و جامعه می‌دانند. از متفکرانی که در این زمینه، یعنی نقش کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی در ارتکاب جرم، به نظریه‌پردازی پرداخته‌اند، امیل دورکیم است. به نظر وی عوامل اجتماعی و تأثیر محیط بر زندگی انسان‌ها در سوق دادن آنها به سوی بزه‌کاری اهمیت فراوانی دارد. (نجفی توانا، ۱۳۸۰: ۲۷)

دورکیم نهایتاً به بیان نظریه کنترل اجتماعی پرداخت. وی باور داشت اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی و نیروی کششی بین افراد وجود داشته باشد، اعضاء آن جامعه هماهنگ و هم‌نوا با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، کمتر مرتکب جرم می‌شوند و بر خلاف آن، در صورت عدم وجود همبستگی و پیروی ارتکاب جرم از سوی افراد رو به تزاید خواهد گذاشت. (نجفی توانا، ۱۳۸۰: ۱۵۳)

سیر مطالعه علمی پدیده مجرمانه، امروزه ما را به این عقیده رهنمون می‌سازد که به طور کلی در طرح مسأله توضیح عمومی جرم دو شیوه وجود دارد. اول رهیافت سنتی است و به این نکته می‌پردازد که چرا بعضی از افراد بزه‌کار می‌شوند. دومی که اساس نوین دارد، مسأله کلاسیک را با این سؤال معکوس می‌نماید که چرا اکثریت اشخاص بزه‌کار نمی‌شوند. (گسن، ۱۳۹۲: ۱۵۳)

با استفاده از این رهیافت جدید، پیشرفته‌ترین نظریه کنترل اجتماعی، از سوی تراویس میرشی در کتاب علل بزه‌کاری که در سال ۱۹۶۹ منتشر شده، بیان گردید. وی استدلال نمود تبیین علل بزه‌کاری ضرورتی ندارد؛ زیرا که ما به طور طبیعی قادر به ارتکاب اعمال مجرمانه‌ایم. (لومبروزو، ۱۴۰۰: ۳۷-۳۹) و سپس یک نظریه کنترل اجتماعی جامع پیشنهاد نمود مبنی بر اینکه افرادی که به گروه‌های اجتماعی، همانند خانواده، مدرسه و همسالان سخت وابسته‌اند، احتمال کمتری هست که مرتکب اعمال بزه‌کارانه شوند. این بدان معنا است که وابستگی یا همبستگی، یعنی داشتن محبت و حساسیت و تعلق خاطر به دیگران عنصر ضروری برای درونبرد ارزش‌ها و هنجارها است.

دومین عامل کنترلی را تعهد یا پابندی توصیف نمود. بر این اساس، افراد در هر جامعه در راستای اهدافشان، سعی در کسب منزلت و شهرت می‌کنند و به فعالیت‌های متداول زندگی روزمره متعهد بوده، از کج‌رفتاری می‌پرهیزند تا موفقیت‌هایی را که به دست آورده‌اند حفظ کنند.

عامل یا عنصر بعدی درگیر بودن یا آمیختگی است. (دکسردی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۶-۱۸۷) این تعبیر بر مشاهده این باور همگانی استوار است که دست‌های بیکار کارگاه شیطان است و مشغول بودن فرصت فعالیت‌های بزه‌کارانه را محدود می‌کند. (پیکا، ۱۳۹۹: ۲۸۳)

آخرین و چهارمین قید کنترلی که هیرشی بیان می‌کند، اعتماد است. هیرشی چنین استدلال می‌کند که هرچقدر شخص به ضرورت پیروی از قواعد جامعه باور کمتری داشته باشد، احتمال بیشتری هست که آنها را نقض کند. مطالعات بعدی هیرشی و میشل گات فردسون، منجر به ارائه نظریه عمومی جرم گردید. در سال ۱۹۹۰ این دو کتاب، نظریه عمومی درباره جرم را منتشر نمودند با این ادعا که تمامی انواع جرم را، می‌توان توسط خودکنترلی پایین، همراه با فراهمی فرصت‌ها تبیین نمود.

خودکنترلی به عنوان عاملی درونی و کنترل اجتماعی به عنوان عامل بیرونی و تأثیرگذار بر میزان ارتکاب جرم، بیان گردید. (دکسردی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۹۰) به بیان ساده، مطابق نظریه عمومی جرم، کنترل اجتماعی هنگامی نقش عمده‌ای در کاهش ارتکاب بزه دارد، که با عامل درونی که خودکنترلی است، تقویت گردد.

خودکنترلی یا عزت نفس عبارت است از عامل درونی کنترل امیال و تمایلات افراد، که در بین سنین ۷ تا ۱۱ سالگی، در انسان، بر اثر تربیت و آموزش صحیح از سوی خانواده و جامعه شکل گرفته و پس از آن، نسبتاً ثابت باقی می‌ماند. عزت نفس بالا توأم با حمایت جامعه، عامل اصلی در کاهش نرخ ارتکاب جرم است. هدف ما از انجام این تحقیق دریافتن میزان تأثیر این نظریه، در میزان ارتکاب جرم به صورت عملی است. بدین نحو، به شرحی که ارائه می‌گردد، پس از تهیه پرسشنامه‌های حاوی سؤالات متحد، به تعداد ۳۰۰ عدد در بین محکومان به حبس به علت ارتکاب جرائم مختلف در زندان‌های مرکزی کرمانشاه و اوین تهران توزیع و به آنان تفهیم گردید که این پرسشنامه صرفاً جنبه علمی و تحقیقی داشته و هیچگونه تأثیری در روند محکومیت آنها ندارد. بنابراین پس از بیان روش تحقیق، محدودیتهای موجود و تجزیه و تحلیل داده‌ها به ارائه یافته‌ها و نتایج می‌پردازیم.

۱- روش‌ها

ابتدا فرم‌هایی به تعداد ۳۰۰ عدد (برای ۳۰۰ نفر) با سؤالات متعدد تهیه، ۲۹ پرسش به گونه‌ای طرح شد که هر چهار مؤلفه نظریه کنترل اجتماعی و همچنین مؤلفه‌های نظریه خودکنترلی و در نهایت نظریه عمومی جرم را در بر گیرد. متن سؤالات به صورتی طراحی شده که پاسخ‌ها بسیار کوتاه یا بله و خیر و مشابه سؤالات تستی باشد و برای هر سؤال محلی برای پاسخ و توضیح اضافه در نظر گرفته شد.

با مسئولین قسمت‌های مختلف زندان‌های مربوطه، اعم از مددکاری و اجرای احکام و دادیار ناظر بر زندان، هماهنگی لازم صورت گرفت. مکانی در دفتر دادیار ناظر بر زندان، در محیطی آرام که مصاحبه‌شوندگان در آنجا احساس آرامش کنند، در نظر گرفته شد.

مصاحبه با هریک از زندانیان حدود ۳۰ دقیقه (در هر ساعت ۲ نفر)، زمان نیاز داشت. این مصاحبه‌ها روزهای متمادی و بعضی روزها تا ۵ یا ۶ ساعت ادامه داشت.

مصاحبه‌شوندگان، بدون شناخت قبلی و به صورت رندم، از بین محکومین جرایم مختلف، فاقد سابقه یا دارای سابقه، بدون محدودیت سنی انتخاب، و به صورت انفرادی، مورد مورد مصاحبه قرار می‌گرفتند.

سؤالات یک به یک به مخاطب تفهیم و پاسخ‌ها با رعایت امانت، عیناً درج گردید همچنین، یادآوری شد که این تحقیق، صرفاً علمی و دانشگاهی بوده و تأثیری در میزان و روند محکومیت ندارد. و نیز یادآوری گردید، که پاسخ‌ها کاملاً محرمانه بوده و منتشر نخواهد شد و کسی به آن دسترسی نخواهد داشت.

۲- محدودیت‌ها

- تهیه فرم‌ها و طراحی سؤالات به نحو ساده و ابتدایی که قابل فهم برای زندانیان (با توجه به اینکه غالب جمعیت

زندانیان را افراد بی‌سواد یا کم‌سواد تشکیل می‌دهند) باشد، اولین مشکل و محدودیت تحقیق بود.

- موضوع جلب اعتماد و کاهش حس بدبینی با توجه به حس بدبینی که عمده‌تاً در بین زندانیان نسبت به مقامات قضایی و زندان وجود دارد، از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. رفع بدبینی، ایجاد اعتماد و برقراری رابطه صمیمی و دوستانه با زندانیان و قبولاندن این موضوع که مصاحبه صرفاً جنبه علمی و دانشگاهی داشته و تأثیری در میزان محکومیت یا روند آن نداشته و مطالب با رعایت امانت و به صورت کاملاً محرمانه، بدون ذکر مشخصات، مورد بهره‌برداری و نهایتاً جمع‌بندی و در تحقیق آورده خواهد شد بود. این مسأله، شاید اصلی‌ترین محدودیت در روند تحقیق بود. هر چند در حدود بیش از ۹۰٪ مصاحبه شوندگان، این تردید کماکان باقی بود و پاسخ برخی از سؤالات را با ملاحظات بیان می‌کردند.

- تفهیم دقیق موضوع و سؤالات و درج پاسخ‌های مصاحبه شوندگان که قادر به درک صحیح از سؤال نبودند.

ترغیب زندانیان به مصاحبه. بسیاری از آنها از انجام مصاحبه امتناع می‌نمودند و به کلی از حضور خودداری، یا در حین مصاحبه علاقه‌مند به آن نبودند.

- محدودیت‌های تردد، ورود و خروج و امکان حضور زندانیان در محل مصاحبه.

۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های حاصل از مصاحبه و تطبیق آنها با قیده‌های نظریه کنترل اجتماعی و خود کنترلی به شرح ذیل می‌باشد:

۳-۱- وابستگی یا هم‌بستگی

- وابستگی به خانواده: تقریباً تمامی مصاحبه شوندگان به پدر و مادر و فرزندان وابستگی کامل داشتند. اما وابستگی آنها به همسر بسیار کمتر بود. کمتر از ۳۰ درصد آنها متارکه کرده یا در شرف انجام آن بودند.

با سواد بیشتر و مجرمین مالی، نوعی عدم اعتماد به قوانین و به چالش کشیدن هنجارها مشاهده گردید.

- مجرمین بی سواد، اغلب اظهار ندامت را بیان می نمودند. اما مجرمین تحصیل کرده، ظاهراً از عمل خود راضی و خود را مستوجب سرزنش نمی دانستند. نوعی محق بودن و طلبکار بودن، در بیانات آنها (مجرمین مالی و با سواد بیشتر) مشاهده گردید. و مجرمین مالی و با سواد زندان اوین، با بی پروایی، بی اعتمادی خود را به قوانین موجود بیان می کردند.

۳-۵- خود کنترلی

- تشخیص رشد و توسعه خودکنترلی در افراد، امری درونی بوده و موضوعی پیچیده است. اما سؤالاتی که مطرح شد، تاحدودی وضعیت تربیتی مصاحبه شوندگان را مشخص می نماید.

- اغلب مصاحبه شوندگان دارای تحصیلات کافی نبوده، زیر دیپلم می باشند. این امر حاکی از نقش بسیار کم مدرسه، به عنوان یکی از ارکان مهم تربیتی، در آموزش و ارتقاء خود کنترلی در مصاحبه شوندگان است.

- هر چند که اغلب ادعا می نمودند که تحت تربیت پدر و مادر قرار داشتند، اما با بررسی وضعیت شغلی و تحصیلی والدین، و تعداد فرزندان خانواده، مشخص گردید که والدین در این امر موفق عمل نکرده اند.

- برخی از مصاحبه شوندگان، قبل از سن چهارده سالگی، مرتکب جرائمی از قبیل مصرف مواد مخدر و سرقت شده بودند.

نتیجه اینکه در اغلب موارد، خود کنترلی رشد نیافته، در مصاحبه شوندگان مشاهده گردید.

نتیجه گیری

در این تحقیق، وابستگی یا همبستگی، که به عنوان عامل پیوند فرد با اعضاء خانواده، فامیل، دوستان، اهالی محل،

- وابستگی به سایر افراد فامیل و اقوام در بیش از ۹۰٪ مصاحبه شوندگان، پایین یا وجود نداشت.

- تقریباً تمامی مصاحبه شوندگان اظهار عدم وابستگی به دوستان می کردند.

۳-۲- تعهد یا پابندی

- اغلب مصاحبه شوندگان، فاقد مدارک آموزشی یا دانشگاهی (بیش از ۹۰٪ زیر دیپلم) بودند؛

- بدون رابطه استخدامی و کار مشخص (بیش از ۹۰٪) بودند؛

- بدون داشتن موقعیت اجتماعی ممتاز و حتی مناسب بودند؛ و

- اغلب بدون درآمد مالی مشخص بودند.

۳-۳- درگیر بودن یا آمیختگی

- اوقات کار نامشخص (اغلب بیکار در بیش از ۹۰٪ موارد اوقات فراغت بدون برنامه مشخص)؛

- کمترین میزان پرداختن به ورزش، کارهای هنری، برنامه های فرهنگی و مذهبی.

۳-۴- اعتقاد

- در زندان کرمانشاه تقریباً در ۱۰۰٪ موارد اعلام اعتقاد به قانون، قانون گذار، مجریان قانون و ضرورت پیروی از قوانین و اظهار ندامت از ارتکاب عمل خود وجود داشت؛

- در زندان اوین تهران در غالب موارد انتقاد نسبت به قانون، قانون گذار و مجریان قانون مشاهده شد؛

در این مورد نکات قابل توجهی وجود دارد:

- اعتقاد کم و انتقاد زیاد نسبت به زندان کرمانشاه، می تواند ناشی از محافظه کاری در محیط های کوچک یا پذیرش احکام صادره از سوی آنها باشد. اما در تهران، خصوصاً در مجرمین

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله توسط نویسنده نخست انجام گرفته و نظارت بر حسن انجام آن و بازنگری نهایی توسط سایر نویسندگان بوده است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- برنارد، توماس؛ ولد، جرج و امتیس، جفری (۱۳۹۵). *جرم‌شناسی نظری*. ترجمه علی شجاعی و محمد آشوری، تهران: سمت.

- پیکا، زرژ (۱۳۹۹). *جرم‌شناسی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: میزان.

- دکسردی، والتراس و دراگوویچ، مالی (۱۳۹۸). *شرحی بر جرم‌شناسی/تقدادی*. ترجمه علیرضا درویش، تهران: نگاه بینه.

- صلاحی، جاوید (۱۳۹۷). *کلیات جرم‌شناسی و تئوری‌های جدید*. تهران: مجد.

- گسن، ریموند (۱۳۹۲). *جرم‌شناسی نظری*. ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، تهران: مجد.

- لومبروزو، سزار (۱۴۰۰). *انسان بزه‌کار*. ترجمه دکتر مجتبی فرهمند، تهران: گنج دانش.

- نجفی توانا، علی (۱۳۸۰). *جرم‌شناسی*. مشهد: آوای حکمت.

روستا یا شهر یا گروه‌ها و مواردی از این قبیل که از سوی **هیرشی** به عنوان عامل بازدارنده از ارتکاب جرم معرفی شده، عامل مؤثری شناسایی نشده است. اغلب مصاحبه شوندگان، وابستگی شدید به اعضاء خانواده، خصوصاً پدر و مادر داشتند. به نظر می‌رسد وابستگی شدید به اعضاء خانواده، شخص را به سمت نوعی عمل خودکارانه منجر به ارتکاب جرم سوق دهد. در جرایم سرقت و مواد مخدر، ممکن است شخصی که امکان تأمین مایحتاج اولیه زندگی و ایجاد رفاه واقعی برای افراد مورد علاقه خود را ندارد، مرتکب جرم گردد. از این رو می‌توان گفت وابستگی شدید می‌تواند انگیزه ارتکاب جرم باشد.

یافته‌های تحقیق، منطبق با نظر **هیرشی**، در خصوص تعهد یا پابندی است. داشتن مدارک تحصیلی عالی، موقعیت اجتماعی ممتاز و شغل مشخص و درآمد مناسب، می‌تواند به عنوان عامل بازدارنده ارتکاب جرم تعیین گردد.

درگیر بودن یا آمیختگی در این تحقیق بررسی، و مشخص گردید در صورتی که فرد، دارای کار مشخص بوده و مشغله کاری داشته و همچنین برای اوقات فراغت خود برنامه از قبیل پرداختن به ورزش، امور هنری و فرهنگی و مذهبی و... داشته باشد، می‌تواند وی را از ارتکاب جرم باز دارد.

در بیش از نیمی از مصاحبه شوندگان، ادعای اعتماد به قانون، قانونگذار و مجریان قانون وجود داشت. یافته‌های این تحقیق، با توجه به مطالبی که پیشتر اشاره شد، نمی‌تواند درستی یا نادرستی این ادعا و میزان اثر آن بر ارتکاب جرم را، برای ما مشخص نماید.

یافته‌ها نمایانگر این مطلب است که عامل خودکنترلی، به قدر کافی در مصاحبه شوندگان، رشد و توسعه نیافته است. رشد این عامل، می‌تواند در عدم ارتکاب جرم، بسیار مؤثر باشد.

- ویلیامز، فرانکلین (۱۳۹۱). نظریه های جرم‌شناسی. ترجمه دکتر حمیدرضا ملک محمدی. تهران: نشر میزان.

- وایت، راب و هیس، فیونا (۱۳۸۷). درآمدهای بر جرم و جرم‌شناسی. ترجمه میر روح اله صدیق، تهران: دادگستر.